



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۷۸
۶ مهر ۱۳۸۴
۲۸ سپتامبر ۲۰۰۵

ویژه ۲۷۸

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۴)



محمد آسنگران

از سوسیالیسم دارند، نقطه قوت اصلی چپ این سازمان است. اما چهره مماشات جویانه با ناسیونالیسم کرد و جریانات چپ سنتی به سنتی پایدار در این سازمان تبدیل شده است. تناقض این سازمان هم همینجا است. کومله خود را بخشی از جناح چپ جامعه تعریف میکند و این درست است، اما این تعریف و این جایگاهی که رهبری کومله برای

ادامه در صفحه ۲

در مبارزات جاری، بی نقشی و غیبت رهبران این سازمان در مباحثات تعیین کننده کمونیسم در ایران، بی نقشی این سازمان در یک دهه گذشته و سیاستهایی که در پیش گرفته است بر همگان آشکار است. اما با این وجود کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران سازمانی است که علیرغم التقاط در سیاستهایش، چپ و کمونیسم هنوز در آن سازمان جایگاه دارد. اعتقاد به انقلاب و سوسیالیسم، حال با هر تفسیری که

نزدیکی عملی کومله با سازمانهای ناسیونالیست کرد و جریانات چپ سنتی، و دوریش از کمونیستها و حزب کمونیست کارگری این سازمان را دچار مخاطره جدی کرده است. این سنت سیاسی، اکنون چهره این سازمان را بیشتر تصویر میکند. این سیاست و سنت، مانع از این شده است که کومله نقش یک جریان چپ جدی و دخالتگرایفا کند. سیال بودن این سازمان در میان کمونیسم و ناسیونالیسم و رخوت و کم تاثیری آن

دست بالا پیدا کنند اینها به آن سمت خواهند رفت، اما عکس این قضیه هم صادق است اگر کمونیسم در جامعه دست بالا پیدا کند اینها با تمام آغشتگی های سنتی و ناسیونالیستی ای که دارند به چپ جامعه نزدیک میشوند. این بیان واقعی وضعیت کومله هم هست. اما با همه موانعی که در مقابل به چپ چرخیدن کومله در درون این سازمان وجود دارد هنوز انتظار میرود که در کومله چپ و کمونیسم دست بالا پیدا کند.

در میان دو قطب اصلی ناسیونالیسم و کمونیسم کارگری در کردستان، جریانات بینا بینی حالت سیال بودن فعلی را ادامه میدهند. جایگاه واقعی و اجتماعی اینها به نسبت قدرت کمونیسم و راست جامعه(ناسیونالیسم کرد) تعیین میشود. اگر جریانات ناسیونالیستی

احضار و تهدید فعالین کارگری را محکوم کنیم!

در صفحه ۶



بیانیه کارگران اعتصابی نساجی کردستان - سنندج

در صفحه ۶

اعتصاب کارگران نساجی کردستان وارد پنجمین روز خود میشود

دستمزد کارگران زن این کارخانه در مقابل کار برابر کمتر از مردان است. قریانی مدیر عامل کارخانه تا کنون جوابی به خواستهای بر حق کارگران نداده است. دو شنبه مدیر کارخانه به اسم مهندس عزیززی و سپهر معاون سیاسی استانداری و اقبال پور و در صفحه ۶

کارگران نمایندگان اعلام کردند که از طرف استانداری اعلام شده است که حق با کارگران نساجی است و باید حق این کارگران پرداخت شود. کارگران اعلام کردند ما خواهان دستمزد برابر هستیم. ۹ نفر از زنانی که در کارخانه کار می کنند ماهی ۹۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند.

اعتصاب کارگران نساجی کردستان در سنندج از روز شنبه گذشته شروع و اکنون در پایان روز سه شنبه این اعتصاب وارد پنجمین روز خود میشود. امروز سه شنبه ۵ مهر نمایندگان کارگران نساجی کردستان در استانداری نشستی با مسئولین دولتی داشتند. در مجمع عمومی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۴)

را باید در عمل هم به محک آزمایش گذاشت.

در این مورد خواننده علاقمند را به اسناد، رسانه ها، نقش روزانه این حزب در سیاست ایران و در کشورهای غربی ارجاع میدهم. جای این حزب از دفاع جانانه از اصول و سیاستهای مارکسیستی تا خلق کنفرانس برلین، از دفاعش از کودکان تا ممنوعیت دادگاههای شریعه در کانادا، از دفاعش از کارگران نفت تا رهبری و هدایت کارگران نساجی و شاهر در سنندج، از هدایت جنبش دفاع از حقوق پنهانگویی تا مقابله با اعدام و سنگسار، از سازمان دادن اول ماه مه ها تا سازمان دادن مراسمهای ۸ مارس، از دهها نشریه پرتیراژ تا رسانه رادیویی و تلویزیونی ۲۴ ساعته، از رهبران شناخته شده در سطح ملی و بین المللی، تا ایجاد سنت معرفی رهبران جنبشهای اعتراضی در داخل ایران و.... اینها تنها گوشه های از پراتیک این حزب است. اما این پراتیک بدون یک سیاست و خط و افق روشن و مارکسیستی ممکن نبود. لازم است تاکید کنم که بدون منصور حکمت و اجرای خط و سیاست او غیر ممکن بود اکنون ما اینجا باشیم.

فعلاً به همین معرفی کوتاه بسنده میکنم؛ اگر کسی کمی انصاف و چشم دیدن حقایق و واقعیات را داشته باشد قامت بلند این جنبش و قدرت حزب آن را نمیتواند انکار کند؛ کسانی که در سازمان کومله علیه این جنبش و رهبران آن با پخش نفرت و شانتاژ تلاش کردند خود را حفظ کنند، بعداً از موضع ملی گرایانه و قومپرستانه از کومله هم رفتند. رهبران فعلی کومله اکنون با دیدن حقایق انکار ناپذیر و تغییرات همان کومله بعد از ما، نمیتوانند بر نظرات قبلی خود اتکا کنند. حقیقت این است که نمیتوانند از سیاستهای گذشته خود در مقابل ما دفاع

ادامه در صفحه ۳

اما همین حزب کمونیست ایران و کومله سازمان کردستان این حزب هم در همان فضای اولیه تعرض راست در دنیا، دچار تحولات عظیمی شد. اوایل دهه نود میلادی گرایش ناسیونالیستی در آن سازمان قدهلم کرد. در فضای آن هنگام که ناسیونالیستهای کرد در کردستان عراق به نان و نوایی رسیده بودند و سند حاکمیت خود را از آمریکا دریافت کرده بودند، ناسیونالیسم کرد در درون کومله سربلند کرد و سهم خود را میخواست. در نتیجه یک جدال سیاسی جدی کمونیسم کارگری از آن حزب جدا شد و حزب کمونیست کارگری را تشکیل داد.

در قدمهای بعدی و در بطن مامشات چپ آن سازمان گرایش ناسیونالیستی از موضع قومپرستانه و راست، چپ ساکت و بی تاثیر کومله را مورد تعرض قرار داد. ناسیونالیسم کرد درون این سازمان اینبار آشکارا، هر آنچه اسمی و مضمونی از سوسیالیسم و کمونیسم داشت را مورد تعرض قرار داد. برادران مهتدی و ایلخانیزاده به همکاری جلال طالبانی سعی کردند که کل کومله را با خود ببرند. اما چپ درون این سازمان مقاومت کرد. در نتیجه ناسیونالیستهای قومپرست ناچاراً با تعداد کمی از کومله جدا شدند و باند قومپرست سازمان زحمتکشان را درست کردند. اکنون بعد از چند سال که از آن اتفاق اولیه میگذرد، برگردیم و به تاریخ خودمان نگاهی بیندازیم، ببینیم چه اتفاقی افتاد. ماها که به قول دوستان کومله ای "آش بتال" کرده بودیم و روشنفکران خسته از مبارزه قلمداد شدیم. حال ببینیم هرکدام از ما کجا قرار داریم؛ اکنون ما حزب کمونیست کارگری را داریم که در ابعادی اجتماعی در داخل و خارج ایران از هر کس برسید میگوید که نقشمان چی بود و از کجا به کجا آمده ایم و اکنون کجا قرار داریم. هر تاریخ نگار منصفی میتواند بر اساس اسناد و مدارک قابل استناد بگوید و بنویسد که چه اتفاقی افتاد و این سیر تحول به کجا منجر شد؛ حقایق سیاستها

شکست بلوک شرق علتش کمبود دمکراسی آن بوده است. و یا اینکه سوسیالیسم شان دمکراسی کم داشت و اینها دوز "دمکرات" بودن خود را تقویت کردند. در فضای بعد از ریختن دیوار برلین و سقوط بلوک شرق، جریاناتی که تغییر موضعشان صریح و آشکار بود و از کمونیسم و سوسیالیسم فاصله گرفتند و حتی ضد کمونیست شدند کم نبودند.

در ایران خیلی از سازمانها، حکومت کارگری و سوسیالیسم شان را کنار گذاشتند که "دمکرات" قلمداد شوند. این جریانات سعی کردند با معرفی مارکس دانشمند، مارکس انقلابی را خط بزنند. کم نبودند جریاناتی که "دمکراسی شان" برجسته تر از سوسیالیسم شان معرفی شد. لایه فکر کرده اند سوسیالیسم آنها قبلاً دمکراسی کم داشته است. اما مشکل نه در کمبود دمکراسی بلکه در نوع سوسیالیسم آنها بود. زیرا اغلب این جریانات قبلاً شوروی با استالین یا چین با مائو را قبله آمال سوسیالیسم خود فرض کرده بودند. خلاصه کنم از دهه نود میلادی به بعد ما شاهد تحولات جدیی در جامعه و طبیعتاً در سازمانها و احزاب چپ بودیم. سرعت این تحولات به دلیل اوضاع جهانی بیش از حالت معمول بود و این قابل پیش بینی بود. در این فضا که صدای دمکراسی خواهی و ناسیونالیسم و ملی گرایی با مذهب در آمیخته بود، دفاع از مالکیت و بازار آزاد کل فضای سیاسی جهان را به ضرر چپ تغییر داد. سرمستی بورژوازی راست غرب از پیروزی در مقابل سرمایه داری دولتی بلوک شرق، سرگیجه جریانات چپ را به دنبال داشت. حدود یک دهه طول کشید که موج برگشت و چرخش جامعه به چپ شروع شد و بار دیگر مارکس بر روی صفحه تلویزیونها و روزنامه ها رفت.

کومله در آن فضا و تا کنون هنوز از سوسیالیسم و انقلاب حرف میزند و تلاش کرده است در این کمپ بماند؛ این در خود مثبت است؛

ادامه از صفحه ۱

خود قائل است جوابی به نیازهای جنبش کمونیستی نمیتواند بدهد. در جناح چپ جامعه بودن برای یک سازمان حتماً مثبت است اما کافی نیست.

مشکل کومله این است که در میان کمونیسم و ناسیونالیسم در نوسان است. با اینکه خود را در کمپ چپ تعریف میکند اما از نظر سیاسی و عملی با ناسیونالیسم کرد بیشتر همخوان است تا با کمونیسم این دوگانگی حالت بینابینی و در نوسان بودن این سازمان را بیان میکند. وجود احزاب مدعی و متکی به منافع طبقاتی طبقه کارگر یا سرمایه دار، نباید ما را از شناخت جریانات بینابینی که در نهایت به یکی از این دو قطب خدمت خواهند کرد غافل کند.

تاریخ، سابقه مبارزه و حتی اصول برنامه ای کسی یا جریانی معیارهای کافی برای شناخت و قضاوت در مورد جایگاه و افقهای طبقاتی آنها نیست. همه این فاکتورها بعلاوه پراتیک روزانه و متد و سیاست برخورد احزاب به رویدادهای سیاسی جامعه و سنتی که نمایندگی میکنند مجموعاً جایگاه جریانات سیاسی را در جامعه تعیین میکنند.

جریانات سیاسی از اتفاقات و تحولات اجتماعی تاثیر میپذیرند و تغییر میکنند، میتوانند از چپ به راست و از راست به چپ گرایش پیدا کنند. متأسفانه در دو دهه گذشته ما بیشتر شاهد حرکت از چپ به راست جریاناتی بوده ایم که خود را در کمپ چپ تعریف کرده بودند. در اوایل دهه نود به دلیل اوضاع جهانی و پیروزی بورژوازی راست بر جناح چپ خود، این سیر از چپ به راست چرخیدن را تسریع نمود. نمونه احزابی که در دنیا اسمشان را تغییر دادند، و کمونیسمشان را حذف و یا در بهترین حالت به سوسیالیسم "دمکراتیک" تغییر دادند کم نبودند. این جریانات فکر میکردند که

سرمدیبر
ایسکرا
عبدل گپریان

Tel: 00358 405758250
E-mail:
abdolgolparian@yahoo.com

دبیر
کمیته کردستان
محمد آسنگران

Tel: 0049 1633458007
E-mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون
کانال جدید
۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیویی قوی با پوشش

سراسری در ایران

صدای آزادی، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر
با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۴)

از صفحه ۲

اما بررسی نقش و جایگاه کومله در خیزشهای اخیر در شهرهای کردستان بطور مشخص باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بحث این است که کومله چه نقشی در خیزشهای اخیر داشت. برای جواب به این سوال باید به صراحت بگویم که از شروع این خیزشها تا پایان آن کومله را فقط در يك نقطه میشود دید. ۱۶ مرداد مقطعی است که کومله خودی نشان میدهد. تاکتیکی اتخاذ کرد که یک جنبه درست اما در همان حال پسوند نادرستی به آن چسبانند، که بعداً معلوم شد همان بخش پسوند نادرست، اصلی تر و هدفشان همان بوده است. صلاح مازوچی در بررسی اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد در کردستان این مسله را به روشنی بیان میکند، که منظورشان از اعتصاب عمومی پایان دادن به روند خیزشها و درگیری مردم در خیابانها با نیروهای رژیم بوده است. "تاکتیک اعتصاب عمومی همراه با فراخوان سوت و کور بودن خیابانها" در کنار فراخوان به اعتصاب عمومی، مردم را به خانه نشینی تشویق کردند. بخش دوم این فراخوان عملاً موفقیت اعتصاب عمومی را تحت تاثیر قرار داد. آنها گرایش امکانگرا و محافظه کار درون جنبش اعتراضی را نمایندگی کردند. موقعیت واقعی کومله که در میان جریانات چپ و راست جامعه در نوسان است، این نوسان در اتخاذ تاکتیک ۱۶ مرداد هم کاملاً مشهود بود. ما همان موقع فراخوان

جامعه تلاش میکنند. تازه در این روند است که طبقات اجتماعی به کمک احزاب سیاسی به کشمکشهای بنیادی میان خود معنی عملی و سیاسی میدهند. تنها به این طریق است که انسانها تناقضات ناشی از موقعیت اقتصادی شان و اختلاف در منافع پایهای طبقاتی شان را به اختلافات سیاسی بر سر تحولات کنکرت اقتصادی و سیاسی و غیره در جامعه ترجمه میکنند و قادر به عمل سیاسی میشوند. احزاب سیاسی کشمکش طبقاتی را متعین میکنند و فضای لازم برای دخالت انسانهای يك طبقه در تعیین تکلیف روندهای تاریخی را بوجود میآورند. احزاب سیاسی از شکافهای طبقاتی مایه میگیرند، اما در مرحله بعد خود تازه ظرف عمل سیاسی طبقات میشوند. تاریخ جامعه نه بصورت رو در روئی لخت و عریان و غیرمتعین طبقات جلو میرود و نه بصورت مبارزه مستقیم و سازمانی احزاب با هم. بستر جلو رفتن این تاریخ کشمکش طبقات اجتماعی تحت پرچم سنتهای مبارزاتی و احزاب سیاسی معین است... در کردستان سنت های مبارزاتی و احزابی که این نقش را پیدا بکنند، یعنی بتوانند فشار عمومی و پایهای مطالبات و افقهای طبقاتی خود را به فشار سیاسی و مادی در جامعه تبدیل کنند، احزابی اجتماعی اند." منصور حکمت جلد ۷

این سیاست و متد برخورد ما به کومله و هر جریان دیگری است.

هیچ منفعت سازمانی هم، در خود نمیتواند مطرح باشد. هر حرکت و تعیین سیاست و پلاتفرمی از جانب احزاب مختلف نهایتاً بر اساس گرایشات و افقهای طبقاتی و نزدیکی و دوریشان به طبقات اصلی جامعه تعیین میشود. سکتاریست بودن یا نبودن هیچ سازمانی توضیح این مسله نیست. کلمه سکتاریسم که ورد زبان مخالفین و موافقین آن شده است از تفسیر و توضیح و ماهیت طبقاتی آن تهی و به یک کلمه کلیشه ای تبدیل شده است. من به تعاریف متداول آن ارزشی قابل نیستم. مفهوم عملی این کلمه اکنون غالباً اینطور تفسیر میشود که گویا هر جریانی به راست میچرخد و به جریان دیگری نان قرض میدهد سکتاریست نیست. نمونه این "مردم داری" در میان جریانات "چپ" راه کارگر است. اخیراً منشعبین تازه وارد هم با همین تفسیر دارند به خود مدال میدهند که از تاکتیک کومله حمایت کردند. (البته کومله بدست اینها را جدی نگرفت) عکس این قضیه هم این چنین توضیح داده میشود، اگر جریانی اختلاف خودش را با دیگر جریانات بیان میکنند و نقدش را میگویند و برای اتحاد و همکاری معیارهای دیگری را مطرح میکنند سکتاریست است" این تحلیلهای بی پایه و اساس برد چندان ندارد.

کمونیستها حزبی مجزا در برابر سایر احزاب طبقه کارگر نیستند. آنها هیچ منافعی جدا از منافع پرولتاریا بطور کلی ندارند. آنها اصول فرقه خاصی برای خود بمنظور شکل دادن و قالب زدن به جنبش پرولتاریائی نساخته اند... احزاب سیاسی ابزارهای گرایشات اجتماعی برای بسیج کل نیروی طبقه خویش تحت پرچم اهداف و افق ویژه خود و برای حاکم کردن کل این اهداف و افق در سطح جامعه هستند. احزاب سیاسی، در درون هر سنتی که شکل گرفته باشند پیشاوری کل جامعه و طبقات اصلی آن قرار میگیرند و برای بسیج کل پایه مادی خود در

است. همچنانکه قبلاً هم گفتم بطور ایزکتیو آینده سیاسی کومله به قدرت کمونیسم کارگری ربط مستقیم دارد. اگر ما در کردستان دست بالا داشته باشیم پایه کومله، رهبرانش را ناچار میکنند به چپ گرایش پیدا کند. بخشی از اعضای مرکزی و کادرهای این سازمان یقیناً خود را به سازمان زحمتکشان نزدیکتر میکنند تا با کمونیستها، حساب اینها جدا است. بنابر این اگر ناسیونالیسم کرد دست بالا داشته باشد نباید توهم داشت که کومله شریک پارلمان آنها میشود و یا بار دیگر پارلمان کردی را تبریک میگوید، همچنانکه در کردستان عراق گفت، همچنانکه ریاست جمهوری طالبانی را تبریک گفت. اما همین تبریک گفتن کومله را هم باید دید و دقت کرد. بعد از ارسال تبریک دست به دعا می ایستند که علنی اعلام نشود و کمونیستهای کارگری و جامعه از این خبار مطلع نشوند. همین احتیاط علتش فشاری است که چپ جامعه و پایه تشکیلات خودشان بر این سازمان اعمال میکند. فعلاً کومله و رهبران آن مثل پاندول ساعت در نوسان هستند. از سوسیالیسم و انقلاب دفاع میکنند اما خوش و بش آنها و تبریک گفتن آنها با ناسیونالیستها است! افقشان برای اتحاد و انقلاب از درجه مناسبات دوستانه شان با چپهای سنتی بسیار گویا است. همین حد از مناسبات بقول خودشان دیپلماتیک هم در رابطه با کمونیسم کارگری برایشان عملی نیست. هنگامی که با ما روبرو میشوند چادرشان را لای دندان میگیرند و سرشان را پایین میندازند نکند در و همسایه آنها را ببینند! در حالیکه حزب دمکرات، اتحادیه میهنی، و سازمانهای چند نفره چپ سنتی را به گرمی در آغوش میگیرند.

علیرغم این سیاستها متر و معیار کمونیستها برای شناخت و تعیین جایگاه احزاب در جامعه نمیتواند دلخواهی و بر اساس حب و بغض جریانات نسبت به هم و منافع سازمانیشان تعیین شود.

کنند. زیرا آقای مهندی و سازمانش که از کومله جدا شدند اکنون یکی از سازمانهای قومپرست است و خود کومله هم اینرا قبول دارد. این درشرایطی اتفاق افتاد که ما مرتب گوشزد میکردیم که بخشی از کومله گرایشی ناسیونالیستی را نمایندگی میکند. و رهبران همین کومله در مقابل ما در دفاع از آنها ایستاده بودند. نوشته های تعدادی از رهبران فعلی کومله در دفاع از خط عبدالله مهندی و در نقد ما هنوز موجود است. هر انسان منصفی میتواند به آنها مراجعه کند و قضاوت نماید. واقعیت این است که عبدالله مهندی و گرایش راست و تماماً ناسیونالیست و قوم پرستی که اکنون در سازمان زحمتکشان نمایندگی میشود بخشی از کومله بود که مشغول سمپاشی و ایجاد نفرت علیه منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری بود. علیرغم تلاش ما برای متوجه کردن رفقای کومله، تفاوتی بین گرایش چپ و این ناسیونالیسم ارتجاعی آشکار نمیشد دید. تاریخ آن موقع (قبل از جدا شدن سازمان زحمتکشان از کومله) از ورق بزیند يك صفحه نقد از رهبران فعلی کومله علیه این جریان دست راستی درون سازمانشان را نیبیدید. ارگانهای کومله و آن حزب، محل تاخت و تاز این گرایش بود و کسی در درون این سازمان با آن در نیفتاد. کومله بدنبال جدائی کمونیسم کارگری هیچگاه و در هیچ مقطعی نتوانست درمقابل ناسیونالیسم کرد درون این سازمان و ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق یا ایران واکنش برجسته ای نشان دهد. همیشه با آن ساخته و مماشات کرده است. مرزها بسیار کمزنگ بوده است. مبارزه با ناسیونالیسم کرد دیگر بخشی از تاریخ این کومله نیست. این وظیفه ای است که بدوش کمونیستهای کارگری افتاده است.

با این وجود آینده کومله و سیر حرکت این سازمان به فاکتورهای مادی و زمینی معینی گره خورده

به ایسکرا کمک مالی کنید.

ادامه در صفحه ۴

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۴)

از صفحه ۳

لابد میخواید همه اینها را به رژیم نسبت دهد.

پژاکها و حزب دمکرات چون نقدشان به جمهوری اسلامی این است که چرا فارسها مسند و مسئولیت دارند و کردهای مورد نظر آنها نقش حاکم ندارند، خود را از این کار میرا دانستند. آنها اختلافشان با جمهوری اسلامی این است که چرا بخشی از حاکمیت رژیم اسلامی به آنها واگذار نمیشود تا بانکها و حسینیه ها را بهتر محافظت کنند. اختلاف چندانی با رژیم فعلی و سیستم فعلی ندارند. به همین دلیل حمله به بانکها و حسینیه نباید در پرونده آنها ثبت شود.

اما کومله تفسیر و ادعای آنها را قبول کرد و آنها را اعلام نمود. به کومله و جریانات دیگر اطمینان خاطر میدهم که روز خودش آدمهایی می آیند و اعلام میکنند که حسینیه شهر سقز و مرکز دارالترجمه قرآن سنندج را نه نیروهای انتظامی بلکه آنها به آتش کشیدند، ما برخلاف کومله این عمل مردم را ناشی از ضدیتشان با فقر و مذهب میدانیم، در هر انقلاب و اعتراض توده ای مردم به این سبیل های سرمایه و فقر و سرکوب هجوم میبرند این روندی است که در سراسر کشور و در ابعاد وسیع اتفاق خواهد افتاد. کومله از همین حالا حساب خود را از این عمل انقلابی مردم جدا کرده است. لازم است همینجا تاکید کنم در شهری که یک نفر شیعه مذهب وجود ندارد بهانه اختلاف مذهبی فقط پوشش کوتاه آمدن در مقابل مذهب است و اعلام دوری از جنبش ضد مذهبی در ایران. حسینیه سقز همانقدر جایگاه

تعطیلی شهرها و تجمع در خیابانها را اعلام کردیم. این تاکتیک ما بخشاً در تقویت و بخشاً در تقابل تاکتیک آنها بود. کومله در این تاکتیک بخش محافظه کار جامعه را نمایندگی کرد و ما بخش رادیکال و میلیتانت جامعه را. اما نقش احزاب و جریانات رادیکال و پیشرو در چنین مقطعی این است که سد مقابل مبارزات مردم را بشکنند نه اینکه بر مبنای تعادل قوای تحمیل شده موقتی، تاکتیک اتخاذ کنند. کومله نه قبل و نه بعد از این اتفاقات اخیر، علاوه بر ۱۶ مرداد در شهرهای کردستان نقش جدی توانست بازی کند.

در عین حال کومله در مورد حمله به حسینیه شهر سقز تفسیر و ادعای جریانات ناسیونالیستی را قورت داد و از زبان دبیر اول خود اعلام کرد که نیروهای انتظامی خودشان بانکها و مشخصاً حسینیه سقز را آتش زدند و تفسیرشان این بود که مقامات رژیم اسلامی میخواهند بهانه برای سرکوب و جنگ مذهبی درست کنند. این خبر هم از نظر فاکتی و هم از نظر تحلیلی غلط و بی ربط به واقعیات جامعه است. اینکه نیروهای انتظامی بانکها را آتش زدند، نادرست است. فاکت و دلیل کافی وجود دارد که مردم فقر زده و خشمگین اینکار را کرده اند. کومله اینجا نفرت بحق مردم از موسسات و نهادهای سرکوب مذهبی را فراموش میکند و اینکار را کار رژیم میدانند. این اقدامی است که قبل تر در رشت و اهواز و چند شهر دیگر هم اتفاق افتاده است، کومله

با این تحلیل که خواست سرنگونی ناپهنگام است. آیا قرار است کومله این خواست و شعار را از این به بعد از دستور خود حذف کند؟ مردم چگونه اعلام کنند که این رژیم را نمیخواهند. صلاح مازوجی از سر واقع بینی و برای توده ای شدن مبارزات میگوید شعار سرنگونی زود است. من هر تفسیر دیگری را انتظار داشتم بجز این یکی، اینکه مردم کردستان به تنهایی نمیتوانند رژیم حاکم بر کل ایران را سرنگون کنند بحث جداگانه ای است. هیچ کدام از اعتراضات شهری و منطقه

ای، در هیچ جای ایران به تنهایی نمیتواند این رسالت را انجام دهد. اما اگر این اعتراضات بخشی از اعتراض و مبارزه مردم در ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی است، چرا نباید همین ماهیت خود را در خواست و شعارش بیان کند؟ چرا کومله مردم را از شعار سرنگونی منع میکند. این سوالی است که رهبران کومله باید جواب بدهند.

اما مردم منتظر کومله نشدند، این شعار را انتخاب کردند و در اکثر تجمعات خود آنرا سردادند. بر در و دیوار نوشتند. این نوع تفسیر از اوضاع و تناسب قوا نشان میدهد که کومله از مردم و مبارزاتشان بسیار عقب است. پتانسیل و ارتباط ارگانیک این مبارزات را در ابعاد سراسری نمیبیند. ممکن است گفته شود چرا در شهرهای دیگر ایران این مبارزات گسترش پیدا نکرد. جواب من به این سوال ساده و سر راست است. اولین مانع خود جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگر است. تعادل قوا بعلاوه شرایط و ذهنیت سیاسی مردم و ... مانع جدی در این راستا است. اینها همگی موانعی هستند که باید جواب لازم و

مذهبی دارد که حسینیه در سلیمانیه عراق. این مکانها عملاً مقر نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است نه مراکز عبادت پیروان مذهب خاصی. هنگامی که رژیم اسلامی در شهر سلیمانیه حسینیه بنا کرد، مردم برای آنها دهها جوک درست کردند و با تمسخر به آن نگریستند. فکر نمیکنم کومله از این اتفاقات بیخبر باشد.

اما در مورد ماهیت و جایگاه خیزشهای شهری از نظر کومله.

صلاح مازوجی یکی از رهبران کومله چنین میگوید. "خواست سرنگونی رژیم نمیتواند به شعار تاکتیکی روز و شعار هر راهپیمایی اعتراضی در کردستان تبدیل شود، طرح ناپهنگام این شعار میتواند مانع گسترش و توده ای شدن این مبارزات شود".

این تحلیل و شیوه برخورد به مبارزات و شعارهای مردم بدون تفسیر هم گویا است. میگوید در این دوره نباید شعار مرگ بر جمهوری اسلامی داد. اگر در این مبارزات که تمام کردستان را دربر گرفت، نباید شعار سرنگونی رژیم اسلامی را داد، بالاخره کی وقت این شعار میرسد. کومله چه شرایطی را مد نظر دارد که مردم این شعار را بدهند؟ سوال این است مگر کومله خودش شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را نمیدهد. اگر مردم بیایند و همان شعار کومله را تکرار کنند اشتباه کرده اند. رهبران کومله این تناقض را چگونه توضیح میدهند.

بموقع بگیرند. ما تلاش میکنیم این موانع را برطرف کنیم. کومله به جای حرکت به جلو و تلاش برای رفع موانع مبارزاتی مردم، شعار سرنگونی جمهوری اسلامی را از این جنبش سرنگونی طلبانه مردم منع میکند. این نه تنها یک قدم بزرگ به عقب که برای یک سازمان چپ و سرنگونی طلب خطرناک و مهملک است. این برای صفوف کومله بشدت هشدار دهنده است. یک سازمان سرنگونی طلب نمیتواند و مجاز نیست که شعار سرنگونی را برای مردم منع کند.

"در اعتراضات دوره اخیر، پاره ای از گزارشات حاکی از آن بود که بعضاً عوامل رژیم و لباس شخصیها بودند که حمله به بانکها و شکستن در و پنجره ها را شروع کرده اند و ممکن است در این میان جوانان پرشوری هم پیدا شوند که بدون اینکه از نقشه رژیم اطلاع داشته و یا از عواقب کار خود آگاه باشند همین روشها را دامن بزنند... زمانی که حمله به بانکها و مراکز دولتی شروع میشود (رژیم) تلاش میکنند که بلافاصله این اعتراضات را به خشونت بکشند و جنگ و گریز را به مردم تحمیل میکنند".

در این فاکت دو موضوع مهم بیان شده است. یکی اینکه نیروهای رژیم اسلامی برای توجیه سرکوبگری

ادامه در صفحه ۵

از سایت ایسکرا دیدن کنید
www.iskraa.org

خیزشهای شهری در کردستان وظایف و شیوه برخورد کمونیستها

(۴)

از صفحه ۴

تازگی ندارد. چند سال قبل مصاحبه نشریه سازمانشان با یک نفر از اعضای رهبری این جریان به اسم جواد مشکو عیناً همین موضع را بیان کرده بود. و شعار سرنگونی رژیم اسلامی را به تمسخر گرفته بود. کومله با اتخاذ این سیاستهای راست دارد به پای خود شلیک میکند. با این سیاستها کسانی که خود را چپ و کمونیست میدانند نمیتوانند در این سازمان ساکت بنشینند. سرنوشت کومله عملاً با این سیاستها بیش از پیش در پرده ای از ابهام فرو میرود. سوال این است آیا گرایش چپ کومله امکان و توان مقابله با این راست روی رهبری سازمانش را دارد یا نه. جواب این سوال هنوز روشن نیست. اما آنچه معلوم است کسی که خود را چپ و کمونیست میدانند نمیتواند با این سیاستها کنار بیاید.

در پایان این نوشته این حقیقت ساده را باید تاکید کرد که سیر وقایع و رویدادهای چند سال اخیر بویژه یک سال اخیر در کردستان و جدال طبقه کارگر با سرمایه داری به شکل واضحی از سیاستهای ح ک تاثیر پذیرفته است. اکنون این يك امر داده شده و اجتماعی است که در میان فعالین کارگری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. پیشروی یا درجا زدن این جنبش به نقش و دخالتگری این حزب گره خورده است. بنا براین وظیفه خطیری که بر دوش حزب ما قرار گرفته است این است که در دل يك جنبش عمومی با مطالبات حق طلبانه بتوانیم جنبش طبقه کارگر و افق سوسیالیستی و رادیکال را در راس این اعتراضات قرار داده و هدایت کنیم. گره کار در شرایط امروز تشکل و سازمان یابی جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری است. این سازمانها را باید ایجاد کرد. این کاری است که دست حزب و همه فعالین کمونیست را میبوسد. ما تلاش میکنیم با تمام توان به این نیاز جواب بدهیم.

آخر سپتامبر ۲۰۰۵

است که کومله تاکتیک اعتصاب عمومی و سوت و کور ماندن خیابانها را برای متوقف کردن این روند یعنی روند ادامه جنگ و گریز مردم با نیروهای سرکوب طراحی کرده است. ما در مقابل، تلاشمان این بود که این روند را از مهیاباد به شهرهای دیگر بکشانیم. ما تلاشمان این بود که رودرویی مردم را به سطح عمومی تر و توده ای تر ارتقا دهیم. در همان روز اعتصاب هم ما فراخوانمان این بود که شهرها تعطیل شود و مردم به خیابان بیایند. این دو تاکتیک از دو تحلیل و دو جایگاه طبقاتی متفاوت ناشی میشود. اکنون در ارزیابی این خیزشهای شهری میبینیم که هر جریانی به دنبال اهداف مورد نظرش بوده است.

کومله با سیاست متوقف کردن این خیزشها که گویا ادامه آن باعث شکست و سرخوردگی مردم میشد، به مردم سرنگونی طلب اعلام کرده است که نباید در شرایط فعلی خواست سرنگونی رژیم اسلامی را مطرح کنند. این سیاست کاملاً در تقابل با خواست جنبش انقلابی مردم معترض و خواهان تغییری و مخالفت با خواست خیزش مردم در کردستان است. این يك سیاست راست و عقب مانده است. مردم وسیعاً به خیابان آمدند و برخلاف سیاست کومله شعار سرنگونی رژیم اسلامی را مطرح کردند. از قرائن چنین پیدا است که بخش "چپ" کومله بیش از پیش در مقابل گرایش ناسیونالیستی عقب نشسته است. کسانی که چپ کومله قلمداد میشدند اکنون سیاستی را نمایندگی میکنند که در رقابت با ناسیونالیسم سنتی کرد و حزب دمکرات میخواستند جناح چپ جنبش ناسیونالیستی کرد را نمایندگی کنند.

اکنون و در شرایط حساس کنونی جریانی که خود را چپ کومله میدانند با قبول سیاستهای مماشات جویانه تحت عنوان دلسوزی برای مردم به مخالفت با خواست سرنگونی رژیم اسلامی پرداخته است. البته این سیاست در کومله

شروع میشود. سوال این است کجای این تاکتیک غلط است. آیا مردم آرام باشند و شعار سرنگونی ندهند و در چهار چوب قانون فعالیت کنند کومله نگرانش برطرف میشود. آیا جنگ و گریز با نیروهای سرکوبگر و حمله به آنها را هم لباس شخصیها و عوامل رژیم درست میکنند، یا مردم در مقابل تعرض سرکوبگران از خود دفاع میکنند کدامیک. نگرانی کومله این است که مردم شرایط را مثل کومله نمیبینند. اتفاقاً این نقطه قوت مردم است کومله باید تلاش کند خود را به مردم برساند.

صلاح مازوجی مینویسد:
ادامه این روند (ادامه خیزشهای شهری در کردستان) میتوانست به شکست و سرخوردگی مردم در مبارزاتشان بینجامد، پدیده ای که برای جنبش انقلابی مردم کردستان زیانبار بود و میتوانست برای يك دوره مبارزات مردم کردستان را با رکود رویرو سازد. این روند میبایست متوقف شود. داخل پراتر و خط تاکید از من است.

در نقل قولهای بالا متوجه شدیم که کومله از شعار سرنگونی رژیم اسلامی، از حمله به بانکها و جنگ و گریز مردم با نیروهای رژیم اسلامی، از به آتش کشیدن حسینیه سقز و از ادامه این خیزشها در شهرهای کردستان نگران است. نگرانی کومله از آنجا ناشی میشود که مردم جلوتر از کومله در مرحله بالاتری با رژیم اسلامی درگیر هستند. کومله از این مبارزات عقب بود و هست. کومله در چند سال گذشته در هیچکدام از اتفاقات شهرهای کردستان نقش رهبری کننده و موثری نداشته است. اول ماه مه ها، ۸ مارسها، قطعنامه و سیاست این تجمعات، دفاع از حقوق کودکان، مبارزات کارگران و... بدون حضور کومله پیش رفته است. اما مهمترین نکته در فاکت بالا این

حاکم میکنند و دوره تازه ای در تاریخ ایران آغاز میشود... کومله همان موقع این تئوری را قبول کرد. دو خرداد تمام شد و تحلیل های ایرج آذرین دود شد و هوا رفت ولی کومله ظاهراً آنها را هنوز هم کنار نگذاشته است.

این تفسیر و تحلیلها ناشی از دیدگاه محدود نگری است که پتانسیل و مکانیسم حرکت اعتراضی مردم را نمیشناسد. نه حرکت طبقات اصلی جامعه و نه روانشناسی مردم و بخصوص نسل جوان را نمیتواند درک کند. فضای اطرافشان چنان محصورشان کرده است که از واقعیات جامعه فاصله عمیقی گرفته اند.

صلاح مازوجی در ادامه میگوید: "در شرایط کنونی نمیتوان مردم يك شهر را به يك تظاهرات و راهپیمایی کشاند که از همان لحظات اول با حمله به بانکها و جنگ و گریز شروع میشود."

صلاح مازوجی بالاتر اعلام کرد که نیروهای رژیم به بانکها و مراکز رژیم حمله کردند. اینجا رسماً اعلام میکند که هر تظاهرات و راهپیمایی با حمله مردم به بانکها و جنگ و گریز آغاز میشود. این تناقض گویی کسی است که، مخالف حمله به بانکها و مراکز دولتی است. قبلاً گفتم که برای توجیه این موضعگیری به عنوان يك تاکتیک، اول این اقدامات را به نیروهای رژیم ربط میدهند، قدم بعدی نمیتوانند احساسشان را پنهان کنند. با نگرانی و سرزنش مردم، مازوجی میگوید هر اعتراضی در کردستان خیلی زود به حمله مردم علیه بانکها و به جنگ و گریز کشیده میشود. با این تحلیل کومله از مبارزات آرام و "بدون خشونت" میخواهد دفاع کند.

ظاهراً مردم حالیشان نیست و موقعیت مورد نظر کومله را متوجه نیستند! "راهپیمایها همان لحظات اول با حمله به بانکها و جنگ و گریز

خود بانکها و مراکز رژیم اسلامی را آتش میزنند. دوم اینکه با حمله به بانکها و مراکز رژیم اسلامی اعتراضات مردم به خشونت کشیده میشود و "جنگ و گریز به مردم تحمیل میشود".

در مورد اول باید بگویم این تفسیر جریانات ناسیونالیستی از مبارزات مردم بود و روزهای اول اعتراضات در مهیاباد هنگامی که مردم و جوانان چند محله را از کنترل نیروهای مسلح رژیم درآوردند، ناسیونالیستهای رنگارنگ در محافلشان اعلام کردند که این مبارزات تند است و بهانه برای سرکوب را آماده میکنند. تلاش کردند مردم آرامتر حرکت کنند. بعد از شروع خیزش مردم در مهیاباد جریانات ناسیونالیستی حمله به بانکها را کار خود رژیم اسلامی اعلام کردند. حقیقت این است هم تفسیر و خبر کومله و هم تفسیر جریانات ناسیونالیست کرد هیچکدام درست نیست. در مورد به آتش کشیدن حسینیه سقز هم تفسیرها کاملاً یکی بود کومله و جریانات ناسیونالیست با هم اعلام کردند که این کار خود رژیم بوده است.

ما این تفسیرها را سال ۷۸ در جریان اعتراضات دانشجویان در کوی دانشگاه تهران شنیده بودیم. این بار انعکاس همان صدا از جانب نیروهای دیگری در کردستان تکرار میشود. آن هنگام حزب توده و نهضت آزادی اعلام کردند که لاستیک آتش زدن و تعرض به امکان دولتی کار دانشجویان و مردم نبود، بلکه این کار لباس شخصیهای خود رژیم بوده است. اکنون همین صدا و تفسیر را از جریانات ناسیونالیستی کرد در مورد عکس العمل مردم در کردستان میشنویم و کومله هم این ادعا را قبول کرده است. تکرار این صحنه ها از جانب رهبری کومله یاد آور تکرار هضم کردن تئوریهای ایرج آذرین است که اعلام کرده بود دوم خردادیها بورژوازی متعارف ایران را

بیانیه کارگران اعتصابی نساجی کردستان - سنندج

از صفحه ۱

ناشی از کار، چندین متوفی و صدها اخراج بوده است.

و امسال باز هم برای کردن خون ما در شیشه دست به تعرضات جدیدتری میزنند. قرار دادهای خود تنظیمی مغایر قوانین کار با ما امضا میکنند و اگر عده ای از همکاران ما معترض میشوند بلافاصله از کارخانه اخراج میگردند و به ما و همکاران میگویند که ما کار و تولید شما را نمیخواهیم. گناه ما کارگران چیست که در دست

ما کارگران نساجی نسبت به تعرضات و تظلمات آشکاری که ۱۵ سال کار سخت و زبان آور و طاقت فرسای تولید به ما تحمیل نموده اند و مدیران بی توجه به خواست ما کارگران و مکاتبات و توصیه های بازرسان کار و بهداشت فقط در فکر انبوه سرمایه و تولید خود بوده اند و در نتیجه برای ما کارگران مریضی و فقر و فلاکت، ۳۰۰ نفر همکار بیمار

مدیران مستبد، فاقد تخصص و تحصیل گرفتار شده ایم؟ از روی عمد کارخانه را به سرانحسبی سقوت سوق میدهند. ما عزل مدیران شرکت و جایگزینی مدیران توانا و کارآمد را از متولیان نساجیهای کشور خواستاریم. در غیر اینصورت اجرای ماده ۱۴۳ قانون کار از مدیران کل اداره کار و امور اجتماعی تقاضا نمودیم و خواستار مطالبات محقق خود هستیم:

۵- انجام معاینات دوره ای برای تمام کارگران و مداوای کارگران بیست و هفت رعیات بهداشت محیط کار، ایجاد حفاظ و ایمنی برای دستگاهها و ماشینها، کاهش آلودگی گرد و غبار و سرو صدا در سالن تولید و امکانات بهداشتی.

کارگران اعتصابی
کارخانه نساجی کردستان
مورخ: ۲ / ۷ / ۸۴

احضار و تهدید فعالین کارگری را محکوم کنیم!

از صفحه ۱

ساعت يك بعدازظهر به اطلاعات سپاه در سنندج برود. کارگران شاهر روز يك شنبه همدیگر را خبر میکنند که فردا همراه خالد سواری در مقابل اداره اطلاعات حضور بهم برسانند. ساعت ۷ و ۱۰ دقیقه عصر یکشنبه اطلاعات به خانه خالد زنگ میزند و ضمن تهدید و بی احترامی به خالد سواری، میپرسند آیا فردا آماده هستیید بیاید. آیا کارگران را مطلع کرده اید. خالد در جواب میگوید بله همه کارگران

روز سه شنبه سر نشینان يك ماشین ناشناخته در یکی از کوچه های سنندج خالد سواری را با توهین و کتک کاری به داخل ماشین میبرند و چشم او را میبندند و از او بازجویی میکنند.

خالد سواری یکی از نمایندگان کارگران شاهر در سنندج میباشد. روز دوشنبه قرار بود خالد سواری

کارگری در کردستان باید با عکس العمل سریع و وسیع روبرو شود. خالد سواری چشم بسته به سوالات مزدوران اطلاعاتی جواب داده است. تمام سوالاتی که از خالد سواری پرسیده اند در مورد نقش دیگر فعالین کارگری و ارتبباتشان با همدیگر و حزب کمونیست کارگری بوده است. بعد از بازجویی و اذیت و آزار او را آزاد کردند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این اقدام سرکوبگرانه

شاهر فردا با من آنجا می آیند. با شنیدن این خبر بلافاصله اعلام میکنند لازم نیست فردا به اطلاعات بیایید. روز سه شنبه سر نشینان يك ماشین ناشناخته در یکی از کوچه های سنندج خالد سواری را با توهین و کتک کاری به داخل ماشین میبرند و چشم او را میبندند و بازجویی را آغاز میکنند. اذیت و آزار، بازجویی، و کتک کاری خالد سواری و دیگر فعالین

را محکوم میکنند. و از همه کارگران میخواهد که در مقابل این زورگویی بایستند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
ایران

asangaran@aol.com

00491633458007

www.iskraa.org

اعتصاب کارگران نساجی کردستان وارد پنجمین روز خود میشود

از صفحه ۱

کارگران گفته اند هیچ وعده و وعیدی را قبول نخواهند کرد. یکی از کارگران می گوید که پارسال کتبی با امضا همه مسئولین و ادارات به ما گفتند خواستهای ما انسانی و اجرا خواهد شد. اما تا کنون بسیاری از آن خواستهای که پارسال ما برای آنها مبارزه کردیم هنوز اجرا نشده است. مطالبات اعتصاب کارگران

چند تن دیگر در مورد شرایط کارخانه نساجی کردستان، جلسه اضطراری برگزار کردند. این نشست کاملا محرمانه تلقی شده و کسی از این مذاکرات خبری ندارد. کارگران در مجمع عمومی خود اعلام کردند که تا رسیدن به تمامی خواستهای خود این اعتصاب را ادامه خواهند داد.

نساجی کردستان اکنون چنین اعلام شده است:

۱ - برچیده نمودن انواع قرارداد خود تنظیمی و غیر قانونی کارفرماها و انعقاد قرارداد دائمی.

۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت مابه التفاوت طرح به تمامی کارگران.

۳- پرداخت حق افزایش تولید سالها و ماههای معوقه به کارگران. ۴- برگرداندن ۱۸ میلیون تومان سرمایه کارگران در تعاونی اعتبار که مدیر اداری مالی مدت یکسال آن را برداشت نموده است. ۵- انجام معاینات دوره ای برای تمام کارگران و مداوای کارگران بیست و هفت رعیات بهداشت محیط کار، ایجاد حفاظ و ایمنی برای دستگاهها و ماشینها، کاهش آلودگی گرد و غبار و سرو صدا در سالن تولید و امکانات بهداشتی.

آلودگی گرد و غبار و سرو صدا در سالن تولید و امکانات بهداشتی.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
ایران

۵ مهرماه ۸۴
۲۷ سپتامبر ۲۰۰۵

asangaran@aol.com

00491633458007

www.iskraa.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!